



فهرست مطالب

۲	عدم واسطه بین صدق و کذب.....
۲	بحثی در مورد صدق و کذب در تیترو اخبار رسانه ها.....
۳	کذب بودن مهندسی اخبار جهت القا خلاف واقعیت.....
۳	جواز نقل به معنا به شرط رعایت امانت.....
۴	چگونگی کذب در نقل وقایع و حوادث.....
۴	جواز ذکر زبان حال به شرط مطابقت اقتضای حال.....
۴	صدق و کذب در مورد فتوا.....



بسم الله الرحمن الرحيم

عدم واسطه بین صدق و کذب

بنابر آنچه مطرح شد که صدق عبارت است از مطابقت با واقع و نفس الامر و کذب عبارت است از عدم مطابقت با واقع یعنی اگر خبر و حکایتی که شخصی با علم و قصد و نیت اخبار بیان می‌کند اگر مطابق با واقع بود صدق می‌باشد و اگر مطابق با واقع نبود کذب می‌باشد، بین صدق و کذب واسطه ای وجود ندارد یعنی صدق همان عدم الکذب و کذب همان عدم الصدق می‌باشد و یک حکم بیشتر وجود ندارد آن هم امر به صدق می‌باشد و نهی از کذب یک نهی تبعی و عرضی و از باب امر به شیء نهی از ضد آن است، می‌باشد. اما اگر قائل به واسطه بین صدق و کذب شدیم و صدق را اعم از عدم الکذب دانستیم احتمال تعدد حکم یعنی وجوب صدق و حرمت کذب، وجود دارد یعنی یک مصلحت در صدق وجود دارد و یک مفسده در کذب وجود دارد و اگر شخصی دروغ گفت هم مصلحتی را ترک کرده است و هم مفسده ای را انجام داده است اما اگر وحدت حکم را طرح کردیم بدین معنا است که یک ملاک بیشتر وجود ندارد و آن مصلحت صدق است که با کذب ترک شده است.

البته این مطلب طبق قاعده و اصول می‌باشد اما اگر به روایات مراجعه شود با توجه به اینکه در برخی روایات از کذب نهی شده است و در برخی دیگر امر به صدق شده است احتمال تعدد حکم بعید نیست.

بحثی در مورد صدق و کذب در تیتتر و اخبار رسانه ها

امروزه در کارهای رسانه‌ای خیلی متداول است که رسانه و یا روزنامه‌ای قسمتی از حرف‌های شخصی را نقل می‌کند و قسمت دیگری را نقل نمی‌کند و یا اینکه برخی از آن را تیتتر روزنامه می‌کنند که چه‌بسا با آنچه در روزنامه یا رسانه دیگر آمده است و یا حتی با آنچه در شرح خبر آمده است، مطابقت نداشته باشد و یا اینکه به‌گونه‌ای مطلبی را بیان می‌کنند که خواننده گمان می‌کند امری فراگیر است مثلاً ناامنی در گوشه‌ای از یک کشور را به‌گونه‌ای بیان می‌کنند که گمان می‌رود در کل آن کشور ناامنی وجود دارد. حال سؤالی که وجود دارد این است که در این‌گونه



موارد که بخشی از یک سخن و کلام ذکر می‌شود بحث صدق و کذب کلام چگونه در مورد تیتیر و اخبار رسانه تطبیق داده می‌شود و در چه صورتی این تیتیر راست و در چه صورتی کذب است؟ در پاسخ باید گفت اگر به واسطه قرائن لفظیه، لبیه و یا قرائن حالیه‌ای که به خبر یا تصویری ضمیمه می‌شود عرفا این گونه فهمیده شود که محور سخن و کلام شخصی فقط همین مطالب بوده است و لا غیر و اینکه تعمیم و حصری از کلام فهمیده شود در صورتی که این تعمیم و حصر مراد شخصی که این اخبار و سخنان از او نقل شده نبوده است و یا اینکه به گونه‌ای خبری مثلاً ناامنی در گوشه‌ای از کشور، بیان شود که عرفا این گونه برداشت شود که گویا در کل کشور ناامنی وجود دارد و یا برعکس مطلبی را فراگیر است به گونه‌ای بیان کند که آن را تضییق کند و شخصی که این مطالب را نوشته است اراده این برداشت خلاف واقع را هم داشته باشد در این صورت کذب و دروغ‌گویی محقق شده است و الا اگر این گونه نباشد کذب محقق نشده است چون بیان تمام واقعیات لازم نیست و حداکثر شخص مقداری از واقعیت را مطرح کرده است.

کذب بودن مهندسی اخبار جهت القا خلاف واقعیت

گاهی نیز این تعمیم و یا تضییق و یا حصر خلاف واقع در بیان یک خبر اتفاق نمی‌افتد بلکه با تنظیم سلسله‌ای از اخبار و مهندسی آن اخبار در مدتی طولانی مثلاً یک سال یا چند سال، امر خلاف واقع‌ای در اذهان تثبیت می‌شود که چه بسا تک‌تک آن اخبار دروغ نبوده‌اند و از تک‌تک آن‌ها آن مطلب خلاف واقع استفاده نشود، در این صورت این شیوه بیان اخبار مصداق کذب قرار می‌گیرد و کذب بر آن‌ها صادق است با این تفاوت که شاید تنها یک کذب بر آن‌ها گفته شود نه چند کذب.

جواز نقل به معنا به شرط رعایت امانت

فرع دیگری که باید بیان شود مربوط به نقل به معنا و مضمون می‌باشد. شخصی که مطلبی را از دیگری نقل می‌کند اگر قصد نقل عین الفاظ شخص را داشته باشد و بگوید که این الفاظ عین الفاظ آن شخص می‌باشد اگر در نقل الفاظ



رعایت امانت نکند و آن الفاظ را ذکر نکند هرچند مضمون کلام آن شخص را بیان کند، مصداق کذب می باشد اما اگر قصد بیان مضمون کلام آن شخص را داشته باشد و به حسب فهم عرف هم رعایت امانت را بکند در این صورت کذب نخواهد بود چون بیان الفاظ موضوعیتی ندارد و شخص هم قصد بیان الفاظ را نداشته است.

چگونگی کذب در نقل وقایع و حوادث

در نقل وقایع و حوادث اگر شخصی قصد بیان همه جزئیات را داشته باشد و بگوید همه جزئیات را می گویم اما برخی جزئیات را نگوید این کذب می باشد اما اگر قصد بیان همه جزئیات و تفصیل را نداشته باشد بلکه آنچه برای او مهم است را فقط نقل کند، در این صورت عدم بیان برخی جزئیات کذب نیست و جایز می باشد مگر اینکه ترک برخی جزئیات محل به بیان واقعیتی باشد که قصد بیان آن را دارد و مطلب را برخلاف واقعیت نشان دهد، در این صورت ترک بیان آن جزئیات مهم مصداق کذب می باشد.

جواز ذکر زبان حال به شرط مطابقت اقتضای حال

بیان زبان حال شخص جایز می باشد. البته صدق و کذب در زبان حال به حسب خودش می باشد و باید دید که آیا حالت و مقتضای آن شخص بیانگر چنین وضعیتی بوده است یا خیر؟ اگر حالت و وضعیت شخص، زبان حالی که بیان می شود را اقتضا کند و شخص هم آن را به عنوان زبان حال ذکر کند نه مقال و گفته آن شخص در این صورت مصداق صدق است و بیان آن جایز است در غیر این صورت جایز نیست.

صدق و کذب در مورد فتوا

بیان شد که صدق عبارت است مطابقت با واقع و صدق عبارت است از عدم مطابقت با واقع، حال سؤالی که در مورد فتوا مطرح این است که اگر مضمون فتوایی مطابق با واقع نبود آیا کذب می باشد یا خیر؟ در پاسخ باید گفت معنای فتوا این است که رأی و اجتهاد شخص از منابع دینی این مطلب می باشد لذا به صرف عدم مطابقت آن فتوا با حکم واقعی کذب بر آن اطلاق نمی شود بلکه در صورتی کذب است که آنچه به عنوان فتوا بیان می شود، اجتهاد مفتی



از منابع نباشد و فتوا دادن مفتی به این معنا نیست که حکم واقعی این است که به آن فتوا داده شده است بلکه به این معنا است که استنباطش از منابع فقهی این مطلب بوده است.